

## سلام کودکانه

### تجربه شیرین

من امروز برای اولین بار شیرینی درست کردم. خاله جون قبلا این شیرینی را درست کرده بود و من تلفنی دستور پخت شیرینی را گرفتم. هر وقت هم سوالی داشتم، زنگ می‌زدم و می‌پرسیدم. برای استفاده از فر هم از مامان کمک گرفتم. شیرینی من خیلی خوش قیافه نشد، اما خوشمزه بود.

مامان گفت: «برای بار اول خیلی خوبه! مطمئنم دفعه‌های بعد خیلی خیلی بهتر میشه».

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...

۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶  
۲۰۰۰۹۹۹

تصویرسازی‌ها: سعید مرادی



## شهرقصه

### تصمیم مهم زنبورک

زنبورک با صدای ویزویز زنبورهای دیگر از خواب بیدار شد. زنبورهای زیادی جلوی در کندو، ویزویز می‌کردند. ملکه نگاهی به زنبورها کرد و گفت: «بالاخره اولین روز کار رسید. بروید و بهترین شهد را بیاورید». همه زنبورها از کندو بیرون آمدند و به طرف باغ گل پرواز کردند. زنبورک گفت: «وای ببینید این بیرون چه خبره؟ چقدر گل!» هر کدام از زنبورها روی گلی نشستند.

زنبورک هم پر زد و می‌خواست روی گلی بنشیند که پروانه‌ای کنار او آمد و گفت: «تو کی هستی؟» زنبورک گفت: «من زنبورک، امروز اولین روزیه که از کندو بیرون اومدم».

پروانه گفت: «میای با هم دوست بشیم و با هم بازی کنیم؟» زنبورک با خودش فکر کرد خیلی وقت دارم، اول بازی می‌کنم و بعد کار می‌کنم. زنبورک و پروانه مشغول بازی بودند که زنبورک صدای زنبورها را شنید که داشتند برای رفتن آماده می‌شدند. زنبورک خیلی ناراحت شد،



## میای بازی

### یادچی می‌افتی؟

این روزها خانواده‌ها بیشتر کنار هم هستند، خب ما هم یک بازی جالب برای شما داریم که حتی می‌توانید موقع تماس تصویری با پسرخاله‌ها یا دخترخاله‌هایتان این بازی را انجام بدهید، اسم بازی هست «منو یادچی میندازه». از دو نفر تا پنج نفر می‌توانید با این بازی سرگرم شوید؛ حتی با بزرگ‌ترها. برای شروع نفر اول یک کلمه می‌گوید؛ بقیه باید بگویند آن کلمه آن‌ها را یادچی می‌اندازد. مثلاً اگر نفر اول بگوید: «دریا». نفر دوم می‌گوید: «دریا منو یاد شمال میندازه». نفر سوم می‌گوید: «شمال منو یاد سرسبزی میندازه». نفر چهارم می‌گوید: «سرسبزی منو یاد پارک میندازه». این جمله‌ها آن قدر ادامه پیدا می‌کند تا یک نفر جوابی نداشته باشد یا چیزی که می‌گوید بی‌معنی باشد، در این حالت حذف می‌شود و بقیه بازی را تا برنده شدن یک نفر ادامه می‌دهند. راستی این بازی جالب شما را یادچی می‌اندازد؟

## شعر

### گل نقاشی

تو جامدادی من  
چندتا دونه مداده  
رنگ تموم اون‌ها  
خیلی قشنگ و شاده

با خوشحالی می‌چرخن  
گل می‌کشن تو دفتر  
مثل گل راستکی  
نه خشک میشه نه پرپر

شاعر: محبوبه صمصام شریعت



## فرفره

صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله‌ها

### روزهای زوج

«زندگی سلام»



نمی‌خواست اولین روز کاری، دست خالی به کندو برگردد. زنبورک سراغ هر گلی می‌رفت، قبل از او زنبور دیگری شهدش را چشیده بود.

زنبورک با ناراحتی گفت: «حالا چی کار کنم؟» پروانه گفت: «با من بیا. من می‌دانم چه کار کنی» و زنبورک را به خانه‌ای که در آن نزدیکی بود، برد.

زنبورک از گلدان‌های خانه تند و تند شهد گل جمع کرد و زود پیش زنبورهای دیگر رفت. بعد هم همراه زنبورهای دیگر به کندو برگشت.

وقتی ملکه کار زنبورها را بررسی کرد به زنبورک گفت: «چرا شهد تو از بقیه کمتره؟» زنبورک با خجالت سرش را پایین انداخت. ملکه با مهربانی گفت: «چون روز اول بود اشکالی نداره».

آن موقع بود که زنبورک یک تصمیم مهم گرفت. می‌دانید تصمیم زنبورک چه بود؟

نویسنده: عارفه روبین

## هنرمند کوچولو

### صور تک‌های سنگی

### چی لازم داریم؟

چند قطعه سنگ، کاموا یا نوارهای باطله، چسب و ماژیک



### چطوری درست کنیم؟

سنگ‌ها را تمیز بشویید و بعد خشک کنید. دور سنگ را روبان، نوار دسته‌های ساک‌های کاغذ یا کاموای باطله بچسبانید. با ماژیک چشم و دهان بکشید. حالا شما صورتک‌های سنگی زیبایی دارید.

طاهره عرفانی



## شمافرستادید

### پرواز جوجه کوچولو

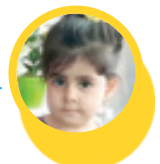
یکی بود، یکی نبود. جوجه کوچولویی بود که خیلی دوست داشت مثل پدر و مادرش پرواز کند.

یک روز جوجه به مامان و باباش گفت: «من می‌خوام پرواز کنم». مامان و باباش گفتند: «نه تو نمی‌تونی، هنوز خیلی کوچولویی» جوجه تصمیم گرفت روی پشت بام برود و رفت بالای بالای بالا اما وقتی می‌خواست پرواز کند افتاد پایین پایین پایین. بابا و مامان جوجه به موقع او را دیدند و توی بغل گرفتند. کم‌کم جوجه بزرگ شد.

وقتی جوجه دید بزرگ‌تر شده خیلی خوشحال شد و از خوشحالی پر در آورد و شروع به پرواز کرد.

داستان و نقاشی ارسالی از دوست خوب «فرفره»

حلما نظام‌دوست ۵۰ ساله



## سرگرمی

### پیدا کردن اختلاف

دوستان خوبم با دقت به این دو تصویر نگاه کنید و ۱۰ اختلافی را که در آن‌ها وجود دارد، پیدا کنید.

